

چهارچوبهای قدرت *

Stewart R. Clegg, "Frameworks of Power" (London: Sage Publications, 1989)

الف) مقدمه

کتاب حاضر درباره مفهوم قدرت و نیز کاربرد آن، در کنار مجموعه روابط خانوادگی که مابین برخی مفاهیم مرتبط و در عین حال متمایز از هم وجود دارد، می باشد. قدرت فی نفسه مفهومی فراگیر نیست، بلکه سه دسته مفاهیم: درونی - ذهنی، عاملیتی و ابزاری در ارتباط با قدرت قابل طرح است. با ایجاد روابط بسامان میان این سه دسته مفاهیم، ایده مدارات قدرت *Circuits Of Power* شکل می گیرد. البته کتاب کنگ کلیه مباحث حول و حوش قدرت (به عنوان جدال برانگیزترین مفهوم) را پوشش نمی دهد، لیکن محورهای اصلی بحث در جهان انگلیسی زبان (خصوصاً دوره متأخر) را ترسیم می کند.

* کتاب حاضر توسط آقای مصطفی یونسی در دست ترجمه می باشد (گفتمان).

کتاب «قدرت نگرش رادیکال» استیون لوکس (۱۹۷۴) در دهه گذشته از مطرح‌ترین کتب علوم اجتماعی بوده است. وی به مسایل و مشکلات موجود در تحلیل قدرت اشاره و برای حل آنها مدل سه بعدی را ارائه می‌نماید. اما باید گفت که بهترین کتابها نیز نمی‌توانند از محدودیت زمانی مباحثی که در آن درگیر هستند رها باشند. روشن است که کتاب لوکس ریشه در مسائلی دارد که در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در ارتباط با تحلیل قدرت به وجود آمده‌اند. از جمله این مسایل مفاهیم عدم تصمیم‌گیری و «فقدان مسایل» قرار داشته و این دو به صورت مبهم یا مفهوم «هژمونی» به عنوان مفهوم محوری مارکسیسم غربی در ارتباطند. سه مفهوم پیش گفته هنوز با ما هستند و اخیراً با دلمشغولیهای دیگری که مباحث جدیدتر موجب شده‌اند اتصال پیدا کرده‌اند. اگر چه این قبیل مباحث در کتاب لوکس عنوان نشده‌اند لیکن برای تحلیل قدرت اهمیت دارند. در این معرکه برخی موضوعات و مباحث حول ادعاهای معرفت شناسی واقع‌گرایانه علم قرار داشته و مابقی نیز برخاسته از برداشته فوکویی و پساساختارگرایانه از قدرت می‌باشند. در نتیجه با مراجعه به اثر لوکس به عنوان ابزاری روز آمد با مشکل روبرو می‌شویم. در حالیکه متن وی برای برخی از مباحث مهم راهنمایی قابل اعتماد و روشن است، اما براساس تحولات معاصر، تحلیل وی از قدرت مورد چالش قرار گرفته و به تدریج به حاشیه رانده می‌شود. مدل رادیکال و سه بعدی لوکس درباره قدرت به لحاظ اخلاقی براساس مفهوم لیبرالی عام‌لیت قرار داشته و از مفاهیم هیومی در مورد علیت استمداد می‌جوید. مشکل در آشتی دادن این قبیل نظرها با دیدگاههایی که مفروضات آنها را به زیر سؤال می‌برند، روشن و آشکار است، زیرا تحولات متأخر در پی آنند تا به هدف خود یعنی نقادی و ویرانگری دست یابند. مثلاً نمی‌توان به آسانی پساساختارگرایی را با مسایل و دلمشغولیهای دیدگاه عام‌لیت، در یک جاگرد آورد. از این رو طرح و شرح منسجم مباحثی که از خاکستر مارکسیسم ساختاری سر برآورده‌اند، مشکل می‌باشد.

دلیل اصلی کنگ در نگارش کتاب خود تجربه سالها تدریس درباره قدرت و نیز غیرقابل استفاده شدن بهترین کتاب موجود (یعنی اثر لوکس) است. اگر چه متن وی بخشی از بحث قدرت را پوشش می‌دهد ولی هنوز نیز مناسب‌ترین منبع تدریس بوده و ظرافت و اختصار آن این مهم را تضمین و تأمین می‌کند. اما همان‌طور که گفته شد به دلیل

نبودن مباحث پس از خود، کاستیها و محدودیتهایی نیز دارد. در این زمینه می توان درباره نوشتارهای مختلف فوکو درباره قدرت اشاره کرد. همان طور که لوکس (۱۹۸۶) تلویحاً گفته، آثاری چون کتاب "انضباط و تنبیه" (۱۹۷۷) نیازمند بررسی است. از این رو وی در کتاب قدرت به ویراستاری خود (۱۹۸۶) خلاصه‌ای از این کتاب را درج می‌کند. مضافاً نظریات ارزنده‌ای از جانب گیدنز (۱۹۸۱ و ۱۹۷۶)، یانگ (۱۹۷۹)، کالون و دیگران (۱۹۸۶)، و مان (۱۹۸۶) ابراز شده که در خور بررسی و توجه هستند. در واقع بسیاری از آثار بعدی در دیالوگ با کتاب لوکس قرار دارند (۱۹۷۷ و ۱۹۷۴). از این رو به اثری که حاوی مطالب و دلمشغولیهای لوکس و نیز مباحث جدیدتر باشد، نیاز داریم. و کتاب کنگ هدفش تأمین این مهم است.

ب - شرح مختصر فصول.

فصل اول تحت عنوان: "چهارچوبهای قدرت، بررسی مختصر و مفید از دیگر فصول ارائه کرده است. در طلیمه تجدد دو بنیاد مهم و مختلف از جانب هابز و ماکیاول برای تحلیل قدرت پایه گذاری شد. به دلایل خاص زمانی و مکانی، خط سیر بحث هابز خطوط اصلی برداشت غالب، یعنی مفهوم عاملیتی و رخدادی قدرت **agency and episodic notion** را شکل می‌دهد. هر چند ماکیاول نیز (خصوصاً در جامعه‌شناسی معاصر فرانسه) به صورت کامل به حاشیه رانده نشده است. کتاب حاضر با بازیافت نقش محوری مفاهیم سازمان در ثبوت **Fixing** مدارات قدرت (منظور از ثبوت ظهور و فعلیت یک بازنمایی به صورت ثابت است، مانند عکس)، دلمشغولیهای استراتژیک ماکیاول در تحلیل قدرت را باز می‌گرداند.

فصل دوم با عنوان ریشه‌های کهنه و مسایل نو به مقایسه هابز و ماکیاول اختصاص دارد. فصول سوم، چهارم، پنجم و ششم به ترسیم برداشت رخدادی و عاملیتی از قدرت می‌پردازند. مضافاً فصول مزبور به طرح انتقاداتی که از جانب برداشتهای بدیل (ابزاری و درونی - ذهنی) در مقابل برداشت رخدادی و عاملیتی بیان شده‌اند اشاره می‌کنند. فصول سوم و چهارم در خصوص مبحث قدرت جماعت **Community Power** و طرفداران برجسته آن رابرت دال، بچراج و براتز می‌باشد. فصل پنجم یا مدل سه بعدی لوکس و معرفت‌شناسی، به تبیین دیدگاه رادیکال لوکس عنایت دارد. فصل ششم، نقد

گیدنز بر پارسونز و ثنویت ساختار، بحث را به بررسی ارتباط میان عاملیت و ساختار در تحلیل قدرت توسط نظریه ساختاری شدن **Structuration** گیدنز سوق می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت فصول پنج و شش مسایل محوری چون قدرت و منافع، قدرت و ساختار، قابلیت‌ها و نتایج قدرت و نیز مبادی معرفت‌شناسانه برداشتهای تجربی، ایده‌آلیستی و رئالیستی از قدرت را مورد کاوش قرار داده‌اند. فصل هفت تحت عنوان پس‌ساختارگرایی، قدرت مطلقه و قدرت انضباطی، خصوصاً با نگاه به آثار فوکو به نقش پس‌ساختارگرایی در تحلیل قدرت می‌پردازد. فصل هشتم یا مدارات قدرت برای تحلیل قدرت مدلی صوری ارائه می‌نماید. و فصل نهم: شکل‌گیری مدارات قدرت در تجدد، مدل مذکور را برای تحلیل دولت مشروطه و مدرن غربی به کار می‌گیرد.

ج - سبک و شیوه نگارش کتاب. فصول اول و دوم مرور کلی بوده و شالوده‌کل کتاب را شکل می‌دهند. فصول دیگر نیز بر نقش و سهم متفکران مهم در جامعه‌شناسی قدرت تمرکزی ابتدایی و اولیه دارند. کنگ به جای اینکه از مواضع متفکرین جهت نقد دیگران سودجوید، تمامیت هر یک از ایده‌ها را بیان و محترم می‌شمارد. از این رو فصل سوم بر نقش دال فصل چهارم بر بچراچ و براتز، فصل پنجم بر لوکس، فصل بر گیرنز، فصل هفتم بر فوکو تمرکز داشته و فصل هشتم چارچوب جدیدی برای تحلیل مدارات قدرت ارائه می‌دهد (البته چارچوب مورد نظر در فصل نه برای تشریح مسایل محوری جامعه‌شناسی قدرت و دولت بکار گرفته می‌شود). ساختار مذکور نتایج ناخواسته‌ای را برای کتاب ایجاد می‌کند از آن جمله در برخی جاها به نظر می‌رسد که مباحثی بدون نقادی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. مثلاً در فصل سه به نظر می‌رسد کنگ مترصد آن است که از نقش مثبت دال در تحلیل قدرت تصویری ارائه دهد، ولی بعداً به تاملات انتقادی در این خصوص می‌پردازد. کنگ نقش هر یک از افراد را جدی دانسته و از آنها برای حمله به موضعی که چندان نیز روشن نیستند استفاده نمی‌کند. روشن است که کنگ نیز به مانند هر فرد دیگر در تحلیل خود نظریات و توضیحاتی خاص خود را داشته که به مرور خود را نشان می‌دهند.

د - وجه زمانی و رشته‌ای مباحث. شیوه دیگر برای بررسی فصول کتاب کنگ بر

اساس ماهیت زمانی مباحث مطروحه می‌باشد. می‌توان گفت هر یک از مواضع مورد نظر زمانی برتری داشته‌اند یعنی و منابع بحث بوده‌اند. در دهه ۱۹۵۰ نقاط رجوع، پژوهش‌های نخبه‌گرایانه درباره قدرت است که از جانب نویسندگانی چون هانتز و میلز و نقاد آنها (دال) مطرح گردید. در دهه ۱۹۶۰ مدل صوری قدرت دال و کاریست تجربی آن اساس مباحث بچراج و براتز بوده و اوج آن نیز کار برد تجربی انتقادات این دو می‌باشد. در دهه ۱۹۷۰ شاهد رادیکال شدن هر چه بیشتر منظر بچراج و براتز توسط لوکس هستیم. این مباحث هنوز نیز با ما بوده و به دهه ۱۹۸۰ نیز کشیده شده‌اند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ نقش‌گیدنز و فوکو برجسته‌تر شده و مورد بحث قرار گرفته است.

بحث درباره قدرت حالت بین رشته‌ای دارد، که ریشه‌های آن در فلسفه و نظریه سیاسی می‌باشد و بعدهاست که مفهوم قدرت محور علوم سیاسی (خصوصاً پس از جنگ جهانی) می‌گردد. بحث قدرت پس از علوم سیاسی به حوزه جامعه‌شناسی سیاسی گذر می‌نماید. اما به وسیله آثار گیدنز و لوکس از عرصه جامعه‌شناسی سیاسی عبور و به تنها و مهمترین مفهوم جامعه‌شناسی معاصر در می‌آید. حتی می‌توان گسترده‌گی مفهوم قدرت را از این نیز بیشتر دانست و گفت که تبدیل به یکی از مفاهیم محوری علوم انسانی و اجتماعی شده است. با محور شدن مفهوم قدرت توسط فوکو مفهوم مذکور به حوزه‌های ادبی، فیلم، نقد، تحلیل فمینیستی، تاریخ اجتماعی، تحلیل سازمان، شناخت جنس، گیفرشناسی و... نیز تسری یافت.

رتال علم علوم انسانی

۵- منابع اثر. هیچ کتابی بی نیاز از منابع غیر نیست، ولی کنگ مدعی است که اثر وی کمتر به چنین منابعی نیازمند و وابسته می‌باشد. برخی از مباحث کتاب در آثار قبلی او نیز وجود دارند، البته در متن حاضر به صورت دست نخورده و اصلاح نشده باقی نمی‌مانند. و بعضی ایده‌های فعلی او نیز به صورت ضمنی و پرورش نیافته در نوشتارهای پیشین کنگ وجود دارند. اما در کتاب حاضر وی دغدغه‌های متفاوتی را دنبال می‌کند: تحلیل مارکسیستی، تاریخ جامعه‌شناختی تجدید، معرفت‌شناسی، و جامعه‌شناسی سازمانها.

خوانندگانی که با اثر لوکس آشنایی دارند، کتاب چارچوبهای قدرت کنگ را مکمل کتاب "قدرت نگرش رادیکال"، خواهند یافت. طرح نظریات اندیشمندان مختلف، ما را

